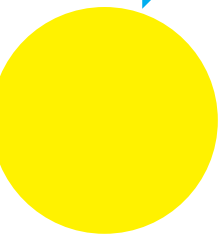




ایران



• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۲۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۰۲۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۳۱۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۲۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

امام علی(ع):

نه مرگ آنقدر ترسناک است و نه زندگی آنقدر شیرین که آدمی پای بر شرافت خود گذارد.



سخن روز



«آوای صلح» به دبیری لاله اسکندری

رویداد فرهنگی و هنری «آوای صلح» که در آن بر نقش سینما در گسترش گفت‌وگو و هم‌دلی میان ملت‌ها تأکید شده است در بخش‌های فیلم کوتاه، فیلم بلند داستانی، مستند و انیمیشن از ۱۸ تا ۲۳ آبان ماه در قشم برگزار می‌شود. لاله اسکندری دبیران رویداد یادداشتی به همین بهانه منتشر کرده که در بخشی از آن آمده است: «در جهانی که بیش از همیشه به گفت‌وگو، درک متقابل و همزیستی نیازمندیم، هنر و سینما می‌توانند زبان مشترک انسان‌ها باشند؛ زبانی که از مرزها، نژادها و باورها عبور کرده و پیام صلح را در دل مخاطب می‌نشانند.» **«ایران**



پاسخگو کردن به شیوه خاویر باردم

خاویر باردم، بازیگر سرشناس اسپانیایی با دفاع از جنبش «کارگران سینما برای فلسطین» اعلام کرد تحریم سینمای اسرائیل متوجه افراد نیست، بلکه شرکت‌ها و نهادهایی را هدف می‌گیرد که در «نسل‌کشی مردم فلسطین» و شهرک‌سازی‌های غیرقانونی نقش دارند. چندی پیش چهره‌های برجسته سینما تعهدنامه‌ای امضا کردند مبنی بر خودداری از همکاری با نهادها و شرکت‌های سینمایی اسرائیلی که «در نسل‌کشی و آپارتاید علیه مردم فلسطین» دست دارند. **«ایستا**



کنسرت محمد علیزاده در دبی

محمد علیزاده خواننده موسیقی‌پاپ در حالی ۱۶ آبان‌ماه در سالن مرکز همایش‌های برج میلاد به روی صحنه می‌رود که قطعه موسیقی «پاییز اسمال ادامه داره» به عنوان آخرین اثر این خواننده روز گذشته منتشر شد. سینا پارسیان ترانه این قطعه را سروده و مجید رضایی آن را تنظیم کرده است. همچنین علیزاده شنبه (۲۵ اکتبر) ۲۰۲۵ سوم آبان‌ماه (۱۴۰۴) در سالن زعبیل دبی به روی صحنه می‌رود. کنسرت این خواننده موسیقی‌پاپ چهارشنبه (۳۰ مهرماه) سانس‌های ۱۹ و ۲۲ در سالن اکومال کرج و جمعه (۱۶ آبان‌ماه) سانس‌های ۱۸:۳۰ و ۲۱:۳۰ در سالن مرکز همایش‌های برج میلاد برگزار می‌شود. **«ایرنا**



نقل قول



تقوایی آبادان بود و ریشه اصلی آبادان در سینما

جگرم تکه باره است. تقوایی ریشه اصلی آبادان در سینما بود؛ کسی که ما از یاد گرفتیم و نمی‌دانم باید چه بگویم. آقای تقوایی قبل از اینکه فیلمساز شود نویسنده چند قصه کوتاه درجه یک بود که بیشتر بوی نفت آبادان و گرمی شهر ما را می‌داد. آقای تقوایی حیف شد، آقای مهرجویی حیف شد، آقای کیارستمی حیف شد و تنها چیزی که می‌توانم بگویم، تسلیت زیاد است به خانواده‌اش و همسرش. می‌دانم تمام بچه‌های فیلمساز جوان آبادان به نوعی از ریشه آقای تقوایی می‌آیند. اگر من هم کار کوچکی کردم، همیظورم. به همین دلیل بیش از هر کس به بچه‌های آبادان و خوزستان تسلیت می‌گویم. آقای تقوایی یعنی آبادان، یعنی ریشه سینما و ریشه هنر مدرن در آبادان. امیدوارم بچه‌های آبادان نگذارند نفس آقای تقوایی خشک شود و کارش را ادامه دهند همان‌طور که آقای تقوایی می‌خواست. البته قیمت گرانی پرداخت می‌شود تا کسی مثل آقای تقوایی دوباره به وجود بیاید؛ البته اگر بشود که مثل او به وجود آید!

بخشی از پیام صوتی امیر نادری برای درگذشت ناصر تقوایی



نگاره

سرگرمی گاهی روایت سرگونی است



طراح: آنتونی استنکوف



نقد



نسیم قاضی‌زاده

منتقد موسیقی

نگاهی به کنسرت-نمایش خون نگار به کارگردانی مهیار علیزاده

عشق و جسارت رابعه بلخی



در زمانه ما کنسرت-نمایش‌ها بیش از هر فرم هنری دیگری مورد استقبال عموم قرار می‌گیرند. مخاطب کنسرت-نمایش، هم‌زمان هم از شکوه دیدن تئاتر بهره‌مند می‌شود و هم از شنیدن لطافت موسیقی لذت می‌برد. از هر دو این‌ها مهم‌تر، اینکه در وقت محدود مخاطب این سال‌ها که همراه با جریان سریع اطلاعات پیش می‌رود، شنیدن حرف‌های جدی، در قالب تئاتر، تنها برای مخاطب جدی آن ملموس است. بویژه اگر داستان نمایش، در قدیم رخ دیده‌وا از زبان همان دوره استفاده‌کند که حوصله‌ای مضاعف را می‌طلبد. اگر تئاترهای روز را دنبال کنید، به خوبی متوجه لحن امروزی، داستان‌های امروزی، شوخی‌های روز اینستاگرام و فضای مجازی و قصه‌هایی که به گوش آشنايند، می‌شوید. از سویی دیگر در حوزه موسیقی هم اوضاع به همین شکل است. فروش بلیت کنسرت‌های موسیقی پاپ گوی سبقت را بروده، حتی موسیقی سنتی نیز در قالب پاپ-سنتی بیشتر ارائه می‌شود تا در جذب مخاطب، وسیع‌تر عمل‌کند. فارغ از درست یا غلط بودن و هرگونه ارزشگذاری فرمی و محتوایی، این واقعیتی است که نه تنها در جامعه ایران، بلکه در اکثر جوامع با درصدی این‌ورتر یا آن‌ورتر در جریان است. سرعت و دشواری زندگی‌ها، عتاق از کف حوصله برده و گروه‌های هنری، از خلاقیت‌شان برای گفتن داستان‌ها و حرف‌های سنگین در یکجی متفاوت و سهل‌ال فهم‌تر با هدف جذب بیشتر مخاطب استفاده می‌کنند. با این اوصاف، در چنین روزگاری، فرم کنسرت-نمایش، یکی از مقبول‌ترین‌هاست. تجربه سال‌های اخیر و اقبالی که تماشاگران به دیدن چنین آثاری همچون سی صد، شازده کوچولو، سی، ترانه‌های قدیمی، ترانه‌های محلی و... نشان داده‌اند، به خوبی اذعان می‌کند که این فرم از هنر، می‌تواند مخاطب خود را پیدا کرده و به حیانتش ادامه دهد. این روزها نمایش خون نگار در تالار وحدت در حال اجراست. مهیار علیزاده که او را به عنوان اولین آهنگساز آثار همایون شجریان می‌شناسیم و بعدها آلبوم‌های متعددی را از او شنیدیم، کارگردانی این اثر را به عهده داشته است. او این اثر را براساس متنی از محمد رحمانیان که نمایشنامه‌هایش شهره‌اند روی صحنه تئاتر برده، روایت نمایش، روایت رابعه دخترکعب قزدار و والی بلخ، ملقب به رابعه بلخی شاعر قرن چهارم هجری ست؛ شاعر‌ای که در زمان حیات همچون بسیاری از ممالک آن دوره، می‌بایست هویت زنانه‌اش را می‌پوشاند. جایگاه او آنقدر رفیع بوده که عطار در الهی‌نامه به زندگی او پرداخته و درباره‌اش نوشته است. عشق او به یکتاش، خزان‌دار دربار، شهره زنانه خودش می‌شود و در نهایت به مرگ زودرس هردو می‌انجامد. این داستان شورا نگیز میان شاعر‌ای که مخفیانه شعر می‌سروده و عشق ممنوع او و خزان‌دار دربار، حتی دیدارش با رودکی در بسیاری از روایات تاریخی و کتب کهن آمده است. علیزاده با بهره گرفتن از حرکات فرم، آوازهای سینا ساعی، بازی سوگل خلیق و نقش آفرینی متفاوت شاعر جرجی در نقش کولی افغان این کنسرت-نمایش، آن را به صحنه وحدت برده است. کارگردان در طراحی صحنه از ویدیووال‌هایی که جایگزین دکوراسیون بلخ قدیم شده‌اند، بهره برده است؛ همچنین در طرح نقشه‌های ایران قدیم، حال و هوای شخصیت‌ها، آرایش کلی صحنه و... که همه به شکل مؤثری به کمک طراحی صحنه آمده‌اند. همچنین شکل روایت در روایت داستان رابعه که میان اکنون و گذشته در نوسان است از دیگر نکات قابل توجه در این اثر است.

همزمان با پخش «ایماداد خمار» احترام بپوشید

از نقش محبویه و بازنمایی رخ ایرانی در قاپ‌فرکنس آبیاری گفت

قضاوت نکنیم؛ اجازه دهیم قصه‌ها خودشان قضاوت کنند



احترام برومند، چهره‌ای آشنا برای نسلی

که «قصه» هنوز زبان تربیت و همدلی بود، در گفت‌وگویی مفصل درباره اهمیت قصه‌گویی در تربیت کودکان با ما صحبت کرد. بخش عمده این گفت‌وگو به نقش قصه، کتاب و رسانه در دنیای کودک اختصاص دارد و برومند با صداقت

همیشگی هشدار می‌دهد که کودکان نسل امروز باهوش‌تر هستند و دیگر نمی‌توان مثل گذشته‌ها با آنها سخن گفت. نسخه کامل این گفت‌وگو هفته آینده منتشر خواهد شد، اما هم‌زمان با پخش قسمت اول سریال «ایماداد خمار» ساخته نرگس آبیاری پیش رویتان قرار گرفته است. او که در «ایماداد خمار» نقش «محبویه» را دارد، در این گفت‌وگو از تجربه حضورش در سریال و تفاوت آن با سریال «سوشون» می‌گوید: سریالی که برگرفته از زمان پُر فروش «ایماداد خمار» نوشته فتانه حاج‌سیدجوادی است و با فضایی عاشقانه، تعلیق احساسی و تقابل طبقاتی، روایتگر زندگی در تهران قدیم است.

گفت‌وگو

نرگس عاشوری

گروه فرهنگی

دارد و خانواده، به‌ویژه برادر محبوبه، مخالف است. او برای مشورت به سراغ عمه‌اش می‌آید و محبوبه با بازگویی تجربه عشق نامتعارف خود، روایت را به گذشته می‌برد. در واقع با شروع روایت محبوبه، سریال در قالب فلش‌بک به گذشته می‌رود. به نظر نتیجه کار خیلی خوب از آب درآمده است.

احتمالاً این سریال پر مخاطب‌تر

از «سوشون» خواهد بود، چون

مخاطب عام‌تری دارد.

«سوشون» را خیلی سال پیش خواندم؛ البته زمان «سوشون» مثل «ایماداد خمار» نیست که فراگیر شده و همه آن را خوانده باشند. خانم آبیاری در ساخت سریال «سوشون» واقعاً سواوس به خرج داده و جزئیات و فضاهای کتاب را برای خلق صحنه‌ها با دقت رعایت کرده‌است. کار سختی است و به دلیل پرداختن به جزئیات ممکن است در برخی لحظات از حوصله بیننده معمولی خارج باشد، اما به نظر من کار بسیار باارزشی است و تماشای آن را به همه توصیه می‌کنم. با این حال، «ایماداد خمار» قطعاً مخاطب گسترده‌تری خواهد داشت.

جالب است که خانم آبیاری

هم‌زمان سراغ دورمان متفاوت رفته است.

هر چند هیچ‌وقت به جنسیتی کردن سینما و تقسیم آن به زنانه و مردانه باور نداشته‌ام، اما گاهی زنان را جسورتر و بی‌پروا تر و شخصی‌تر فراهم کرده‌اند؛ نرگس آبیاری نگاه می‌کنم- از «شی» که مام کامل شد تا سریال «سوشون»- و واقعاً شگفت‌زده می‌شوم. به‌ویژه آن‌که سریال

«سوشون» به دلیل حساسیت‌های

ادبی و واکنش‌های محتمل از سوی اهالی فرهنگ، مسبر دشواری پیش‌روی خانم آبیاری گذاشته است؛ شجاعت او در نزدیک شدن به چنین اثری، به‌راستی ستودنی است.

ساخت سریال «سوشون» از

همان ابتدا با حساسیت‌ها و قضاوت‌های زودهنگام همراه بود. شما این واکنش‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

متأسفانه در جامعه امروز، پیش‌دوری زیاد شده است. کافی است تصور کنیم کسی در موردی با ما هم‌عقیده نیست تا او را با فاصله محکوم کنیم، دیگر مهم نیست کارش خوب است یا نه؛ زود قضاوت می‌کنیم. درباره «سوشون» هم همین اتفاق افتاد: خیلی‌ها قبل از دیدن سریال شروع به نقد کردند. اتفاقاً من در زمان برگزاری نمایشگاه کتاب برای حضور در دو نشر مرتبط با کودکان، «آی قصه» و «درسا»، در نمایشگاه کتاب بودم و خبردار شدم که خانم آبیاری و بهوش طباطبایی در غرفه ناشر کتاب «سوشون» برای امضای کتاب در آنجا

ساخته می‌شود، و اعتماد از صداقت می‌آید. تولیدکننده باید بداند با چه نسلی سخن می‌گوید. نسل جدید نه نوستالژی گذشته را دارد، نه صبر تماشای کلیشه‌ها را. شناخت علمی سلیقه مخاطب، اولین گام احیای سینما و تلویزیون است. پلتفرم‌ها رقیب نیستند؛ فرصت‌اند. همکاری‌های مشترک بین تلویزیون، نهادهای فرهنگی و پلتفرم‌های داخلی می‌تواند محتوای باکیفیت‌تر و گسترده‌تری تولید کند. اگر مرزها منقطع نشوند، رسانه ملی می‌تواند بخشی از این زیست‌بوم تازه باشد، نه بیرون از آن. سینما فقط پرده بزرگ نیست؛ مناسک جمعی است می‌توان با برگزاری نمایش‌های خیابانی، ارکان‌های دانشجویی و سینماهای محلی، دوباره حس جمعی تماشای فیلم را زنده کرد. مخاطب امروز به دنبال گفت‌وگوست، نه تکرار. اگر سینما و تلویزیون امکان نقد صریح، طرح مسائل اجتماعی و نمایش تضادها را پیدا کنند، به تدریج دوباره به مرجع فرهنگی بدل می‌شوند. پلتفرم‌ها آمده‌اند تا بمانند، اما مرجعیت فرهنگی تنها با «تکنولوژی» تعیین نمی‌شود. هنوز می‌تواند نقش خود را به‌عنوان آیین جمعی ایران امروز بازابد.



پلتفرم‌ها

آمده‌اند تا

بمانند، اما

مرجعیت

فرهنگی تنها

با «تکنولوژی»

تعیین

نمی‌شود.

آنچه جامعه را

گرد یک تصویر

جمع می‌کند،

نه صرفاً

کیفیت فنی،

بلکه احساس

صداقت و

تعلق است

سینما و شبکه‌های عمومی نقش مهمی

در تولید معنا دارند. تفاوت در نحوه مواجهه است. رسانه‌های موفقی، به جای جنگیدن با پلتفرم‌ها، از آنها آموخته‌اند. BBC و نتفلیکس رقیب نیستند بلکه هر کدام بخش متفاوتی از تجربه مخاطب را پوشش می‌دهند. در ایران نیروی توان از همین مسیر الهام گرفت. بازآفرینی سینما و تلویزیون نیازمند درک تازه‌ای از مفهوم مرجعیت فرهنگی است. مرجعیت، امروز نه از بالا تحمیل می‌شود و نه صرفاً از طریق انحصار. باید از دل مشارکت و گفت‌وگو شکل بگیرد.

مخاطب امروز در برابر «تبلیغ و «تلقین» واکنش منفی دارد. او روایت صادق می‌خواهد؛ نه داستان‌هایی که از دل زندگی واقعی بیرون آمده باشند. نه روایت‌های ایدئولوژیک و بی‌روح. مرجعیت فقط با اعتماد